

هر حرکتی، علیه بنیانهای جمهوری اسلامی است در باره حرکت اعتراضی روز گذشته دانشجویان و مردم



ایرج فرزاد

به حضور "سردار طلائی"، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ در محل امیدوار هستیم که با رایزنی با نمایندگان مجلس اسلامی بتوانیم طرح خصوصی سازی دانشگاهها را

صفحه ۲

"علی تعالی"، مدیر کل سیاسی انتظامی استان تهران در یک اظهار نظر و مصاحبه با ایسنا جایگاه این اعتراض را چنین توصیف کرده است: "از یک هفته پیش تعدادی از دانشجویان تصمیم به اعتصاب و اعتراض داشتند. این اعتراضات صنفی با توجه به نزدیک بودن ۱۸ تیر میتواند مقدمه تظاهرات بیشتری باشد.

علی تعالی که مصاحبه اش را در نیمه های سه شنبه شب انجام داده است اضافه کرده است که: "با توجه

در طول خیابان امیرآباد شمالی و بزرگراه موسوم به آل احمد بسیار با کندی صورت گرفته است. انصار حزب الله و حاجی بخشی در صحنه ظاهر شده و به تقابل با معترضین میپردازند که تعداد زیادی از سرنشینهای ماشین های در حال عبور پیاده شده و شعار میدهند: "دانشجو، دانشجو حمایت میکنیم."

شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد نیز از جمله شعارهای تظاهرکنندگان بوده است.

بر اساس گزارشاتی از کانالهای مختلف از جمله خبرگزاریهای وابسته به رژیم، از بعد از ظهر دیروز سه شنبه ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) تظاهراتی از سوی دانشجویان کوی دانشگاه واقع در خیابان امیرآباد شمالی در بیرون از محوطه دانشگاه روی داده است. این تظاهرات که در اعتراض به طرح خصوصی سازی دانشگاه آغاز شده است، با سرعت گسترش یافته و مورد حمایت وسیع مردم قرار میگیرد بطوری که ترافیک



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

در ۱۸ تیر امسال شعار

آزادی، برابری را سر دهیم!

مراسم سالروز درگذشت منصور حکمت

۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ لندن

حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری عراق
آذر ماجدی



تلفن اطلاعات: ۰۰۴۴۷۸۱۳۰۴۵۸۷۰

رژیم در این روزها امکانات و ابزار سرکوب و تحمیق خود را بکار انداخت تا از دانشجویان و مردمی که به کمک آنها شتافته بودند، زهر چشم بگیرد. خامنه ای عوامفریبانه از "جفا" رفتن بر دانشجویان سخن گفت و برای آنها اشک تمساح ریخت و خاتمی که یک سال بود به پست ریاست دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی رسیده بود و در همدان بسر می برد، دستور سرکوب کردن اعتراضات را صادر کرد و به تهدید و خط و نشان کشیدن علیه دانشجویان متوسل شد.

رژیم برای خواباندن این اعتراضات گسترده در عین سرکوبگری و بکار گرفتن شقاوت و بی رحمی، به تحمیق و عوامفریبی نیز روی آورد. سردمداران رژیم قول دادند که حادثه حمله به کوی دانشگاه را بررسی و پیگیری و مسببین آن را مجازات خواهند کرد. اما این ادعا مانند هر پدیده دیگری در جمهوری اسلامی وارونه انجام شد. اکنون بعد از گذشت ۴ سال از این سببیت رژیم، دانشجویان و کسانی که مورد سرکوب و ضرب و

صفحه ۲



صالح سرداری
sardari@web.de

در روز ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ خیابان های تهران شاهد جنبشی عظیم و توده ای برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی بود. این اعتراضات ۵ روز طول کشید تا سرانجام ماشین جنگی سرکوبگران توانست آن را سرکوب کند و از گسترش آن جلوگیری نماید.

در این ۵ روز که با حمله نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه تهران آغاز شد یک دانشجو به قتل رسید و تعداد زیادی زخمی و دستگیر شدند که هنوز در زندان بسر می برند.

نقب رضا پهلوی به جمهوری خواهی فدرالیسم قومی!



حسین مرادیگی

صفحه ۲

ارتجاع در هم تنیده

رحمان حسین زاده صفحه ۳

در ارتباط با کشف گور

دسته جمعی در سنندج

صفحه ۴

این مدارک را هم به پرونده جلال طالبانی و مریدانش سنجاق کنید

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نقب رضا پهلوی به

جمهوری خواهی فدرالیسم قومی!

در حاشیه اظهارات رضا پهلوی در تورنتو

حسین مرادیگی

رضا پهلوی در سخنرانی خود در شهر تورنتو کانادا، روز ۲۶ ماه مه ۲۰۰۳، در جواب به سوال یکی از حاضرین در این سخنرانی در مورد حل مساله کرد در کردستان ایران گفته است وی هرچند خود را مشروطه خواه میدانند لیکن در این مورد با جمهوریخواهان موافق است و ایران باید فدرالی باشد. چند روز بعد اخبار مربوط به این سخنرانی و اظهارات رضا پهلوی در مورد فدرالیسم از چند سایت انترنتی نیز پخش شد. در این مورد من توضیح کوتاهی را لازم میدانم.

فدرالیسم رضا پهلوی در جواب به مساله کرد در ایران و فدرالیسم خواهی خودمختاری طلبان کرد قبل از هر چیز یکبار دیگر بر این حقیقت که ما منتهاست برآن تاکید داشته ایم، صحنه میگردد. آنهم اینک فدرالیسم در ایران شعاری است دست ساز و قبل از اینکه از واقعیت جامعه ایران و یا از وجود جنبش مردمی معینی بر سر این خواست سرچشمه گرفته باشد، طرحی است ساختگی برای معامله و بند و بست میان ناسیونالیستها و عظمت طلبان ایرانی و خودمختاری طلبان کرد، بطور ویژه حزب دمکرات کردستان ایران. می بینیم پوچی عدم تمرکز و "دمکراتیزه کردن سیستم اداری کشور و گسترش آزادیهای سیاسی و مدنی و دیگر عوام فریبی هائی که اینها بار فدرالیسم کرده اند بسرعت از خلال

در ۱۸ تیر امسال شعار آزادی، برابری...

مذهب و دین و پاسدار و حوزه علمیه و آخوند و اسلام زندگی کنند، برای اکثریت جوانانی که آینده ای را برای خود زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی نمی بینند، و می خواهند شاد و به دلخواه خود زندگی کنند، و بطور کلی برای همه انسان هایی که در آن جامعه زندگی می کنند و نمی خواهند از بالا برایشان تعیین تکلیف کنند، رفتارندم نه تنها راه حل نیست بلکه در تقابل با دخالت آنها در تغییر و بهبود در زندگی شان می باشد. در سالگرد ۱۸ تیر شعار زنده باد آزادی، زنده باد برابری می تواند بسیاری از مطالبات و خواسته های اعتراضات را منعکس نماید. چپ آن جامعه با سر دادن این شعار می توانند منعکس کننده بسیاری از خواست ها و مطالبات انسانی اکثریت مردم زحمتکش باشد. بعلاوه جا دارد که در این روز "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" یکی دیگر از شعارهای این روز باشد. فعالین و دست اندرکاران چپ و کمونیست باید برای تبدیل کردن شعار زنده باد آزادی برابری به شعار توده هر چه وسیع تری از مردم به استقبال این روز بروند.

۱۱ ژوئن ۲۰۰۳

خودشان هم بهتر از هر کسی میدانند، که اسلام و اسلام سیاسی دیگر حتی با قبه بستان و زنجیر چرخانه های ارادل و اوباش حزب الله و گلکله های بسیج و انصار قابل حفظ و دوام نیست. رژیم اسلامی، با اسلام و شریعت و تمام قوانین کثیف و ضد انسانی اش محکوم به رفتن است، محکوم به شکست و دفن در آشفالانی تاریخ است.

هر اعتراض و حرکتی، در متن بحران سیاسی اقتصادی ای که که گوی رژیم اسلامی را میفشارد، و در شرایطی که بقا رژیم اسلامی مترادف با گرسنگی دادن به کارگر و سلطه اختناق اسلامی و نفی هر جلوه ای از حرمت و کرامت انسانی است، به جنبشی بزرگ برای به زیر کشیدن کل بساط اسلامی تبدیل میشود.

جنبش سرنگونی رژیم اسلامی و حرکت توده ای نه به رژیم توحش و بربریت اسلامی را نه میتوان مرعوب کرد و نه به سازش و عقب نشینی واداشت.

طلیعه سوسیالیسم و جنبش آزادی و برابری بر تارک مبارزات توده های مردم ایران میدرخشد.

۱۲ ژوئن ۲۰۰۳

شتم نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها قرار گرفتند هنوز در پشت میله های زندانند و آمرین و مجریان این حادثه دارند در خیابان و دانشگاه و مدرسه و اماکن عمومی کارگران و جوانان و زنان و هر کسی را که به نکبت حاکمیت رژیم اسلامی معترض است، سرکوب می کنند و وظیفه اسلامی خود را به پیش می برند. اگر رژیم با تکیه بر ماشین آذمکشی اش و با تکیه بر توهماتی که هنوز به جناح دوم خرداد در میان بخشی از مردم وجود داشت، ۱۸ تیر ۷۸ را سرکوب کند، اما ریشه این جنبش آنچنان قوی و توده ای است، که هر ساله در سالگرد این مبارزه، علیرغم تمام تدابیر سرکوبگرانه رژیم باز هم در خیابان ها قدرت خود را به نمایش می گذارد.

۱۸ تیر امسال در جو فضای سیاسی ویژه ای بر گزار می شود. رژیم تمام تلاش خود را خواهد کرد تا علاوه بر بکار گیری نیروهای سرکوبگرش همه سران ریز و درشت هر دو جناح بکار افتند تا از رادیکال شدن و گسترده شدن این اعتراضات جلوگیری نمایند. اما زیون تر از آنند که

کند و آنرا ضمیمه طرحهائی از قبیل رفتارندم کند. بعد از ۲۵ سال سلطه رژیم اسلامی، طرح این مطالبه از مردم که تازه بیایند در یک رفتارندم نظر بدهند که آیا موافق یا مخالف رژیم اسلامی و قوانین آن هستند، بزرگترین اهانت به شعور مردم و تحقیر مبارزات و مقاومت های آنهاست. اپوزیسیون بورژوازی قصد دارد با حذف مردم از صحنه و تبدیل کردن آنان به نظاره گران بی اراده، سناریو چنگ زدن به قدرت را از روی نمونه جمهوری اسلامی تکرار کنند. میخوانند ابتکار مردم را در صحنه رودروئی با جمهوری اسلامی کور کنند تا خود قدرت را با بند و بست و توطئه از بالا به خود منتقل کنند. این سناریو، با هر تغییر دکوراسیونی قابل تکرار و تحمیل به مردم با تجربه و چشم باز کرده ایران نیست. یک نیروی قدرتمند سوسیالیستی، با برنامه و تحزب یافته و دارای ریشه های عمیق با عواطف و تمایلات و مطالبات پیشرو و آزادیخواهانه و انسانی کارگران و زنان و مردان و جوانان و محرومین این جامعه، تکرار مجدد حذف مردم از صحنه سیاسی و به خانه فرستادن آنان و منع دخالت آنان در سرنوشت جامعه را

به محالات تبدیل کرده است. یک بار با اسلامی تعریف کردن هویت مردم بیخاسته علیه رژیم ساواک و شاه و دربار به مبارزات و فداکاریها و قربانیهای مردم خون پاشیدند، نمیتوان به مبارزه مردم برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی، هویت ملی و قومی و اسلام ملی و ایرانی حقنه کرد و دورانهای به مراتب سیاه تر پاکسازیهای ملی و قومی و مذهبی را بروی جامعه ایران رو به فقهرار باز کرد و برای بار دوم بر مبارزه مردم باز خون پاشید. همه هشدارها و پند و اندرزهای طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی و لایمهای مختلف بقایای ۲ خرداد، چه در حکومت و چه خارج آن، برای مترادف نامیدن جنبش سرنگونی طلبی مردم با قهر و خشونت، به منظور فراهم کردن سناریو حذف مردم از صحنه و ایجاد شکاف بین آنها و نیروی کمونیسم کارگری است. در اساس اینها مبارزه برای رفاه، خوشبختی و آزادی و برابری و ایجاد یک جامعه انسانی را نشانه رفته اند. سران رژیم اسلامی، از خامنه ای گرفته تا خاتمی و رفسنجانی و جنتی همه تلاش خود را پیکار میبرند تا مردم را در مقابل "تهدید خارجی" در پشت سپر ترک خورده و پوشیده اسلام سیاسی به دور خود گرد آورند.

هر حرکتی، علیه بنیانهای...

مسکوت بگذاریم و از سیر اعتراضات به سوی "افراط گرایی" جلوگیری کنیم" و این نگرانیها و عقب نشینیهای فوری از سوی جمهوری اسلامی در مقابل خواسته های "صنفي" دانشجویان و دلهره و هراس عالیترین مقامات انتظامی و امنیتی در صحنه، آنهم در نیمه های شب، نشان میدهد که جمهوری اسلامی روی بشکه ای از خشم و نفرت میلیونها مردم ایران نشسته است که هر بهانه و انگیزه صنفی و ظاهرا "غیر سیاسی"، میتواند جرقه ای بر فتنه باشد. این اعتراضات که به گفته مقامات انتظامی، مقدمات تظاهرات و

ارتجاع درهم تنیده



رحمان حسین زاده

صفحه ۳ روزنامه کردستان نو (کوردستانی نوی) شماره ۳۰۸۳ از اتحادیه میهنی کردستان عراق را به عنوان سند دیگری از هزاران سند سیاه در پرونده اتحادیه میهنی باید پایگانی کرد. سند "پیوند عمیق قلبی و غمخواری اتحادیه میهنی با خامنهای و خاتمی به مناسبت مرگ خمینی و تاکید مجدد بر حرفه پادویی در مقابل جمهوری اسلامی. (پیام اتحادیه میهنی به مناسبت مرگ خمینی به خامنهای و خاتمی در این صفحه آمده که ما در اینجا ترجمه پیام به خامنهای را درج میکنیم).

طبعاً این شغل شریف بخش لاینفک کاراکتر سیاسی اتحادیه میهنی و جلال طالبانی است و تازگی ندارد. کرنش در بارگاه هر دولت و جریان مرتجعی که دستی به قدرت دارد و میتواند چند روز نان آنها را بدهد، مدح و ثنای جنایتکارانی چون خمینی و حافظ اسد و صدام حسین، و اینک شریک جرم ارتش آمریکا تا بلکه در اداره امور محلی کردستان شریک شوند، کل فلسفه وجودی و ماهیت سیاسی و کارکرد این دارودسته را نشان میدهد. پیام پر از "داغ و حسرت" کنونی در سالگرد یکی از جنایتکارترین عناصر تاریخ این نکته را با وضوح تاکید میکند که پیوند و همکاری اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی صرفاً بر پایه منافع و مصلحت روز نیست، بلکه ریشه در افق و سیاست و فصل مشترکهای اساسی تری با ارتجاع اسلامی دارد، به نحویکه در سراسر سقوت قرار داشتن جمهوری اسلامی و استقرار آمریکای "فرشته نجاتشان" هم در عراق نمیتواند سستی در آن ایجاد کند. این نکته

برای سمپاتیهای به اصطلاح "چپ" اتحادیه میهنی که کل بند و بست ۱۵ ساله اخیر جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی را طبق فرمول "ناچاریم" و زیر لوای "مصلح مردم کردستان عراق" توجیه کردند، قاعدتاً باید آموزنده باشد. تصور میکنم درج پیام عبدالله مهندی سرکرده باند زحمتکشان در همان صفحه و با مضمونی که مطالعه کرده‌اید، اندک افراد ساده دل و متوهمی را از میان صفوف خود آنها که هنوز فکر میکنند به یک سازمان سیاسی پیوسته‌اند، مقداری آزرده خاطر کرده باشد. عبدالله مهندی چیز تازه‌ای نگفته است. حقیقتی را که ما از بدو ایجاد و سرهم بندی کردنشان توسط همان "مام" جلال شان گفته‌ایم، تاکید مجدد نموده است. ما گفتیم اینها "شعبه اتحادیه میهنی در کردستان ایران هستند" اینها وردست جلال طالبانی و با پول و نفقه و تجهیزات وی سرهم بندی شده و نام کومله را به منظور زد و بندهای احتمالی بر خود نهاده‌اند. در بحبوحه "دوم خرداد" و ظهور "آخوند دمکرات" انشعاب در کومله و بریدن بند ناف این طفل "معصوم" هدیه طالبانی به پروژه "دیالوگ

تمدنهای سید خندان" بود. هر چند دیالوگی صورت نگرفته و مهندی کماکان چشم‌انتظار است، اما ناامید هم نیست. شرایط جدیدی در منطقه به وجود آمده و به زعمشان "اوضاع و احوال حساس" است و احتمالات وقوع پرده‌های مختلف سناریو سیاه در گشت و گذار و دارودسته آنها هم درست برای حضور در چنین احتمالاتی پایه‌گذاری شده‌اند. چه بسا "مام جلال" بتواند نقش جدیدی را در این اوضاع و چارچوب نقشه آمریکا در کردستان برایشان دست و پا کند. چالپوسیهایی مندرج در این پیام نشان میدهد "قدرشناس" اند. بد نیست در حاشیه نکته‌های یادآور شد. عبدالله مهندی بار دیگر و به نام کومله گفته‌است "سابقه تاریخی و طولانی مبارزاتی مشترک با اتحادیه میهنی دارند." صرفنظر از اینکه عکس‌العمل کومله در این رابطه چه خواهد بود، از جانب خودم و نسل کمونیستی وسیع سازنده تاریخ کمونیستی گذشته کومله و به عنوان کسی از رهبری سابق کومله این ادعای وی را تکذیب میکنم و آن را تحریف آشکار تاریخ مبارزه کمونیستی در جامعه

کردستان میدانم. از فروردین ۱۳۶۰ که کنگره دوم کومله اعلام کرد، "با الهام از اهداف و سیاستهای اتحاد مبارزان کمونیست خط مشی خود را تدوین کرده" و مارکسیسم انقلابی و سیاستهای منصور حکمت تا مقطع جدایی کمونیسم کارگری بر این سازمان ناظر شد، بیش از یک‌دهه اتحادیه میهنی و کومله نه در جبهه مبارزاتی مشترک بلکه بر عکس به دوجبهه مبارزاتی متفاوت و متمایز از هم تعلق داشتند. در حضور سازندگان این تاریخ امکان مصادره آن موقوف است. پس عاقلانه‌تر آنست مهندی فقط سازمان تازه تاسیس قوم پرست خود را وکالت کند. پیامهای دفتر سیاسی اتحادیه میهنی به خامنهای و خاتمی و پیام عبدالله مهندی به اتحادیه میهنی و نقطه اشتراکات آنها نشان میدهد که اینها ارتجاع در هم تنیده‌اند. قالب اینولوژیکی سیاسی متفاوت مانع پیوندهای اساسی مشترک آنها نیست. ضدیت با حقیقت و انسانیت و آزادی تفاوتیانشان را به حاشیه میراند. اینها سررشته یک کرباسند. باید به حاشیه پرتاب شوند. □

این مدارک را هم به پرونده جلال طالبانی و مریدانش سنجاق کنید

شماره ۳۰۸۳ کوردستان نوی، چهارشنبه ۴ ژوئن ۲۰۰۳

گذاشت.

در رابطه با ما به عنوان یک جنبش انقلابی کردی به طور خاص و به عنوان یک جنبش ملی عراقی به طور کلی، الطاف انقلاب ملت ایران در قبال جنبش رهایی‌بخش عراق را هرگز فراموش نمی‌کنیم، و همچنین با افتخار تاثیر انقلاب ملت ایران در سرنوشت رژیم شاهنشاهی و از بین بردن روابط و همکاریهای این رژیم گوربه‌گور شده با رژیم دیکتاتور عراق که آن هم سرنگوش شد و برای همیشه خاتمه یافت تاکید می‌کنیم. مبارزین عراق و پیش از همه مبارزین کرد همکاری جمهوری اسلامی را بسیار با ارزش ارزیابی میکنند، چرا که ایران برای ما اپوزیسیون عراقی به پناهگاهی امن تبدیل شد. خداوند اقدامتانتان را موفق گرداند و یک بار دیگر احترامات ما را پذیرا باشید.

دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان عراق
۲۰۰۳_۶_۳



به یاد وفات

آیت‌الله‌العظمی امام خمینی
حضور آیت‌الله العظمی علی خامنهای رهبر انقلاب اسلامی محترم و احترام ...
در یاد فوت آیت‌الله العظمی امام خمینی، با احترام فراوان، این یاد گرامی را محترم می‌داریم و از اعماق قلبمان همدردی خودمان

پیام تبریک به مناسبت سالگرد اتحادیه میهنی کردستان

* پیام عبدالله مهندی

آقای دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان، **مام جلال طالبانی** **دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان محترم**

با تقدیم گرمترین سلام، به مناسبت بیست و هشتمین سالروز تاسیس اتحادیه میهنی کردستان گرمترین تبریکات را تقدیمتان می‌داریم. امسال جشن تولد اتحادیه میهنی در شرایطی برگزار می‌شود که عراق و کردستان از چنگال رژیم دیکتاتوری بعث نجات یافته و برای اولین بار جشن سالروز تاسیس اتحادیه‌یگان با جشن سرنوشتی دیکتاتوری همزمان شده و به دو جشن تبدیل شده است. پیداست که این دستاورد بزرگ نیز حاصل زحمت و مبارزه خستگی‌ناپذیر سالهای سخت و دشوار مبارزه مخفی و مبارزه پیشمرگانه و همه عرصه‌های دیگر و همچنین حاصل فداکاری و جانباختن هزاران شهید راه و جنبش رهایی‌بخش ملت کرد است و به همین مناسبت و از طریق شما درود به روان پاک این شهیدان سرافراز و خانواده‌های محترمشان نثار می‌داریم. کومله کردستان ایران تاریخ طولانی از پیوند مبارزاتی با جنبش رهایی‌بخش

ملت کرد در کردستان عراق بطورکلی و با اتحادیه میهنی کردستان به طور خاص دارد. به همین خاطر از نزدیک خود را در هر دو جشن سهیم و هم احساس می‌داند و یک بار دیگر دوستی و نزدیکی و پیوند مبارزاتی خود را تاکید می‌کند. آقایان، لازم به گفتن نیست که در این اوضاع و احوال حساس نیاز به حفظ تفاهم و آشتی داخلی و موضع‌گیری مشترک در مسائل مهم عمومی برای حفظ دستاوردها و گسترش و زمین‌سازی دمکراتیزه کردن کردستان و سوق دادش به سوی جامعه‌ای مدنی، آزاد و پیشرفته، واقعیتی انکارناپذیر است. در شادیتان سهیم هستیم و موفقیت‌های بزرگتر را برایتان آرزو می‌کنیم. از طرف کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران عبدالله مهندی
۲۰۰۳_۶_۱

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب کمونیست
کارگری را بخوانید**

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

این اوراق هویت کل رژیم اسلامی است

در ارتباط با کشف گور دسته جمعی در سنندج

و اصلاح طلب و تمامیت خواه را با طرفداری از عنصر جمهوری در تقابل من درآوردی با اسلامیت رژیم عوض کرده‌اند، باید در برابر کارنامه و عملکرد و تاریخ رژیم خود پاسخگو باشند. کشف تصادفی یک گور دسته‌جمعی در بخشی از زمینهای در تصرف دادگاه انقلاب سنندج، گوشه‌ای و تنها گوشه کوچکی از دورانهای سلطه سیاه خفقان اسلامی و آدمکشی جنایتکاران اسلامی را از زیر خاک به جهان بیرون نشان میدهد.

جمهوری اسلامی را باید بزیر کشید، این رژیم با کشتار و ارباب و بخون کشیدن مبارزه و قیام مردم ایران به قدرت چنگ انداخت و ادامه حیات ننگین آن فقط با تداوم توحش اسلامی ممکن شده است.

آن هنگام که بانیان یک ربع قرن وحشت و ترور و کشتار و قتل نفس بدست توانای مردم ایران پشت میزهای محاکمه قرار خواهند گرفت، دور نیست. صحنه‌های هولناکتری را باید از زبان سردمداران رژیم اسلام سیاسی بشنومیم و ببینیم و بخوانیم. آنهایی که حتی در روزهای سرازیری رژیم اسلامی، خمینی، این رذل ترین و حنایت‌کارترین عنصر اسلامی تاریخ معاصر را مدح و ثنا گفتند، فقط باید سرشان را پائین بگیرند و خود را از تیررس مردم خشمگین ایران دور نگاه دارند.

مردم! رژیم آدمکشان و قصابان اسلامی را بزیر بکشید!

آزادی برابری، خوشبختی، رفاه و سعادت مردم در گرو ساقط کردن رژیم اسلامی توسط نیروی میلیونی مردم ایران است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری همدردی عمیق خود را با مردم شهر سنندج و بستگان این قربانیان اعلام میدارد و مردم را به اعتراض و مبارزهای هماهنگ و قاطع تا روشن شدن ابعاد این جنایت و بانیان آن فرا میخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ ژوئن ۲۰۰۳

۲۰ خرداد ۱۳۸۲

دست ایران، ما شاهد تکرار حوادث قومی خونبار در شهر کرکوک در کردستان عراق میان ساکنین کرد و عرب و ترک زبان این شهر نبودیم. اگر نیروی حائلی نبود، آیا هم اکنون کشتار وحشیانه این مردم از همدیگر ادامه نداشت و بدنبال آن بخش عظیمی از جامعه عراق در یک جنگ کثیف و خونین قومی و بی انتها فرو نمی رفت؟ خطری که هنوز رفع نشده و بر بالای سر این مردم چرخ میزند. اینها با فدرالیسم کردن خود دارند تدارک چنین مصیبت‌هایی را برای مردم و جامعه ایران می بینند.

ممکن است گفته شود که فدرالیسم خواهی حضرات در ایران با توجه به اینکه مساله حاد قومی ای وجود ندارد، طرفدارانی پیدا نخواهد کرد. این درست که مساله حاد قومی ای در ایران وجود ندارد، لیکن متأسفانه هنوز جامعه علیه خرافه قومی و ملی بحد کافی واکنش نکرده است، هنوز هم ویروس ناسیونالیسم اگر زمینه رشد پیدا کند میتواند شیوع پیدا کند. بعلاوه در دنیای امروز با شبکه های وسیع اطلاع رسانی بقول منصور حکمت هر طرح ابلهانه ای اگر در چهارچوب منافع وسیع تر طبقاتی و جهانی بدر بخش‌هایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع به آن

دست ایران، ما شاهد تکرار حوادث قومی خونبار در شهر کرکوک در کردستان عراق میان ساکنین کرد و عرب و ترک زبان این شهر نبودیم. اگر نیروی حائلی نبود، آیا هم اکنون کشتار وحشیانه این مردم از همدیگر ادامه نداشت و بدنبال آن بخش عظیمی از جامعه عراق در یک جنگ کثیف و خونین قومی و بی انتها فرو نمی رفت؟ خطری که هنوز رفع نشده و بر بالای سر این مردم چرخ میزند. اینها با فدرالیسم کردن خود دارند تدارک چنین مصیبت‌هایی را برای مردم و جامعه ایران می بینند.

ممکن است گفته شود که فدرالیسم خواهی حضرات در ایران با توجه به اینکه مساله حاد قومی ای وجود ندارد، طرفدارانی پیدا نخواهد کرد. این درست که مساله حاد قومی ای در ایران وجود ندارد، لیکن متأسفانه هنوز جامعه علیه خرافه قومی و ملی بحد کافی واکنش نکرده است، هنوز هم ویروس ناسیونالیسم اگر زمینه رشد پیدا کند میتواند شیوع پیدا کند. بعلاوه در دنیای امروز با شبکه های وسیع اطلاع رسانی بقول منصور حکمت هر طرح ابلهانه ای اگر در چهارچوب منافع وسیع تر طبقاتی و جهانی بدر بخش‌هایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع به آن

فدرالیسم در ایران یعنی تقسیم قومی و اداره قومی کشور ایران و براین اساس تراشیدن هویت قومی و ملی برای میلیونها انسان ساکن در ایران که سالهاست در کنار هم زندگی و علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده اند، این را هرکسی که یک روز سیاست کرده باشد می فهمد. ژست فدرالی رضا پهلوی برای جلب گروههای خودمختاری طلب هرچقدر هم کودکانه، نتیجه ای جز این نخواهد داشت. این ها را در کنار خودشیرینی یک عده چپ سطحی کسانی که پاکسازیهایی قومی در یوگسلاوی و بالکان را دیده اند، حوادث اخیر شهر کرکوک را می بینند بازهم بدون تعمق یک کشور ۷۰ میلیونی را به لیست طویلی از چندین ملیت و چندین قومیت و چندین گروه زبانی و غیره تقسیم کرده و دارند جاده را برای جنگ قومی و اعدامهای دسته جمعی صاف میکنند قرار دهید، آن را در کنار برجسب های قومی ای که به مردم میزنند و مردم را به لرز و فارس و گیلک و کرد و مازندرانی و ترک و ترکمن و عرب و بلوچ و بختیاری و غیره تقسیم میکنند قرار دهید تا عمق فاجعه را دریابید. بنابراین فدرالیسم خواهی جماعت، چه مصلحت روز اینها پشت آن باشد و چه مانند چپ بی‌تعقل سفیهانه

نقب رضا پهلوی

(از صفحه ۲)

میتوانند از مراجعه به آراء آزادانه خود مردم کردستان ایران در مورد حل این مساله اجتناب کنند و از بالای سر مردم کردستان ایران با حزب دمکرات وارد معامله و بند و بست شوند. این در واقع واقعیت پشت فدرالیسم خواهی این جماعت است، لیکن نتایج سیاسی و عملی ای که از این طرح ارتجاعی عاید مردم و جامعه ایران خواهد شد میتواند آغازگر یکی از خونبارترین دوره های تاریخ معاصر ایران باشد. برای اینکه اینها بجای حل سر راست مساله ملی در کردستان ایران از طریق مراجعه به آراء آزادانه خود مردم کردستان ایران، دارند معامله و بند بست خود بر سر این مساله را به مبنائی برای تقسیم قومی کشور و در نتیجه چیدن میز یک جنگ قومی و پراکنگر و بی انتها در ایران تبدیل میکنند. رضا پهلوی برای جلب گروههای خودمختاری طلب، با فدرالیسم کردن خود ظاهراً دارد به دمکراسی خواهی خود رنگ غلیظ تری میزند اما پا در همان راهی میگذارد که تتمه جمهوری خواهان ملی و قوم پرستان و ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی هم کیش.

۱۱ ژوئن ۲۰۰۳

